

نقد کتاب

Pahlavi Ostraca and Papyri (سفالها و پاپیروسهای مخطوط پهلوی)،

جلد سوم و چهارم از جزء سوم مجموعه کتیبه های ایرانی (*Corpus Inscriptionum*

Iranicarum) دفتر اول ، لوحه های ۱ تا ۲۴ ، توسط پرفسور P. J. de Menasce لندن ۱۹۵۷

این مجلد که سومین دفتری است که از «مجموعه کتیبه های ایرانی» انتشار می یابد شامل ۲۴ لوحه تصاویر سفالها و پاپیروسهایی است که نوشته هائی بخط «شکسته مانند» پهلوی بر آنها نقش شده است .

قسمت عمده سفالها را هر تسفلد باستان شناس فقید المانی در نزدیکی ورامین بدست آورد. در گزارشی که هر تسفلد در سال ۱۹۲۵ در *ZDMG* (دوره جدید ، جلد پنجم ، ص ۲۸۳ ، بنقل از مقدمه پرفسور دومناشه) از سفر خود منتشر ساخت، کشف این سفالهای مخطوط را چنین شرح داد : «... بعلاوه ، در حدود ورامین ، در نتیجه کاوش انفاقی اهل محل ، آثار در خور توجهی از دوره ساسانی مکشوف شد که در توضیح تپه های متعدد منفردی که درین ناحیه دیده میشود کمک می کرد. این تپه ها ظاهراً بقایای قلاع قابل دفاعی هستند که بصاحبان اشرافی دهات تعلق داشتند . قسمتی ازین آثار مکشوفه بقرن ششم میلادی تعلق داشت . . . در همین محل چند صد عدد قطعات سفالین بدست آمد که خطوط پهلوی با مرکب بر آنها نقش شده بود و ظاهراً یادداشتهائی در باب محاسبات و نتایج امور زراعتی در بردارند. این خطوط بنظر شبیه خطوط پاپیروسهای معروف که از مصر بدست آمده میاید و قرائت آنها ممکن است مدتی دراز بطول بیانجامد . اما کثرت عدده آنها امیدتوفیقی (۱) تصویر شماره ۱۹۵ را که هویت خط و زبانش مورد تردید است ، مؤلف ازین زمره استثنا کرده است .

در بردارد. « هر تسفند این مجموعه را به موزه بریتانیا اهدا کرد و فعلاً در آنجا مضبوط است .

از اینها گذشته قطعات دیگری نیز از سفالهای مخطوط در سایر نقاط ایران توسط هیئت حفاری موزه متروپولیتن نیویورک و دیگران بدست آمد (ص اول مقدمه دیده شود)

پاپیروسها همه از مصر بدست آمده و در شهرها و مجموعه های مختلف پراکنده است . ازین جمله پاپیروسهای پهلوی را که در موزه دولتی برلین محفوظ است پرفسور O. Hansen پیش ازین منتشر ساخته است^۱. درین مجموعه تصاویر سفالهایی که در موزه بریتانیا و موزه ایران باستان (در قطعه) و موزه متروپولیتن نیویورک و هم چنین قطعه ای از ظرف گلی متعلق بمجموعه آثار بابلی دانشگاه ییل که هر دو طرفش مخطوط است باضافه پاپیروسهای پهلوی که در فیلادلفی و منچستر و موزه لوور و گوتینگن و استراسبورگ و موزه بروکلین و قاهره و بال (سوئیس) و اکسفورد و موزه بریتانیا وجود دارد انتشار یافته . بجز پاپیروسی که در شهر بال محفوظ است تا کنون هیچیک ازین قطعات منتشر نشده بود . از اینرو انتشار آنها در مجموعه ای که با نهایت دقت بطبع رسیده است برای محصلین زبان و خط پهلوی بسیار مفتمم است . بجز این قطعات ، قطعات دیگری نیز در کتابخانه ملی وین و موزه آسیائی لندن گراد و کتابخانه آکادمی هایدلبرگ هست که هنوز بطبع نرسیده است (ص ۲ مقدمه) و امید است وسیله طبع آنها نیز فراهم شود .

قرائت کامل این قطعات بعلت گسیختگی و ناقص بودن آنها و محو شدن بعضی قسمتها و بخصوص دشواری این نوع از خط پهلوی باسانی میسر نیست، اما چنانکه

۱) Die mittelpersischen Papyri der Papyrussammlung der Staatlichen

Museen zu Berlin *Abh. Preuss. Akad.* 1937 ص اول و دوم مقدمه دیده شود

خود پرفسور دومناشه نیز متذکر شده امید می‌رود طبع آنها وسیله اشتراک مساعی دانشمندان مختلف در حل مشکل آنها شود. بهر حال جای خوشوقتی بسیار است که این مجموعه اکنون در دسترس طالبان آن قرار داده شده است.

احسان یارشاطر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Persia in A. D. 1478-1490 ایران از سال ۸۸۳ تا ۸۹۶ هجری توسط

پروفسور V. Minorsky ، VII + ۱۳۶ ، از انتشارات Roy. Asia. Soci. ، لندن ، ۱۹۵۷

این کتاب ترجمهٔ ملخصی است بزبان انگلیسی از کتاب عالم آرای امینی تألیف فضل‌الله بن روزبهان خنجی (متوفی در ۹۲۷ هـ) که شامل تاریخ وقایعی است که پس از مرگ اوزون حسن آق‌قویونلو تا وفات سلطان یعقوب آق‌قویونلو (مجموعاً قریب ۱۲ سال) روی داده. متن فارسی عالم آرای امینی هنوز بطبع نرسیده^۱ و ازینرو ترجمهٔ انگلیسی آن که با مقدمهٔ بسیار سودمندی بقلم دانشمند و خاورشناس متبحر پرفسور مینورسکی انتشار یافته، برای همهٔ کسانی که بتاریخ ترکمانان و برخاستن صفویان و رواج تشیع و روابط ایران با کشورهای مجاور درین زمان نظر دارند مغتنم است.

دورهٔ ترکمانان در تاریخ ایران (قرن نهم) چنانکه پرفسور مینورسکی در آثار متعدد خود سعی کرده است روشن کند، یکی از دوره‌های مهم تاریخ ایران پس از اسلام است که سابقاً چنانکه باید مورد توجه قرار نگرفته بود.

ترکمانان که اصلاً از ترکان غز (اوغز) اند، محتملاً در زمان سلجوقیان بغرب ایران نقل کردند و بتدریج بسوی ارمنستان و شمال عراق و اناطولی در آسیای صغیر پیش راندند. حملهٔ مغولان مدتی کوشش و زیاده طلبی ترکمانان را متوقف ساخت، ولی پس از ضعف ایلخانان، ترکمانان در نواحی غربی و شمال غربی ایران نیرو گرفتند. تیمور با مغلوب ساختن سلطان بایزید عثمانی که دشمن نیرومندی برای ترکمانان بشمار میرفت، بآنان فرصتی تازه بخشید تا با ایجاد مراکز قدرت درین نواحی بپردازند. سلسله‌های قراقویونلو (در شمال) و آق‌قویونلو (در جنوب) در این نواحی بساط حکومت

۱) از عالم آرای امینی دو نسخه شناخته شده است: یکی در کتابخانهٔ فاتیح اسلامبول، محرر

بسال ۹۲۶، و دیگری در کتابخانهٔ ملی پاریس محرر بسال ۹۵۲. ص ۶ مقدمه دیده شود.

گستر دهند و ضمناً دست بجدال و کشمکش با یکدیگر زدند. تا زمانی که سلسله صفوی ظهور کرد و اینان را از صحنه حکومت بیرون راند، مدت يك قرن تر کمانان بازیگران عمده صحنه سیاست در ایران غربی و آذربایجان و عراق و ارمنستان بودند. درین يك قرن تحولات مهمی در حال کمون بود که بعدها در سیر تاریخ ایران و کشورهای مجاور غربی مؤثر شد. از همه مهمتر رواج تشیع و بخصوص بسط نفوذ خاندان شیخ صفی الدین در ایران غربی و بخصوص در میان قبایل ترکمن بود که مآلاً خاندان صفوی را بقدرت رسانید، و وحدت ایران را در زیر درفش آنان میسر ساخت. از این گذشته میتوان اصلاحات ارضی^۱ و استقرار روابط با کشورهای مسیحی (از جمله حکومت ونیز)^۲ را از وجوه تاریخ دوره ترکمانان محسوب داشت.

تاریخ عالم آرای امینی از دو جهت بخصوص برای تاریخ این دوره اهمیت دارد: یکی از آنرو که وقایعی که ذکر شده همه وقایعی است که مؤلف یا از نزدیک شاهد جریان آنها بوده (وقایع چهار سال آخر) و یا منابع اصیل برای اطلاع از آنها داشته است.

دیگر آنکه مؤلف عالم آرا از ستیان متعصب بشمار میرود و گفتاری در باره آغاز نهضت شیعه و بخصوص طغیان شیخ حیدر و جهاد او در گرجستان، ازین لحاظ که نظر مخالفان خاندان صفوی را روشن میکند، برای بدست آوردن نظر جامع و بی طرفی درین باره بسیار سودمند است. اهمیت این معنی بخصوص از آنروست که غالب ما خذی که برای تاریخ صفویان در دست یارائج است از منابع شیعه است.^۳

(۱) درین باب بخصوص رجوع شود به The Aq-qoyunlu and Land Reform توسط پرفسور مینورسکی در BSOAS (سال ۱۹۵۵، ۱۷۱۱/۳، صفحات ۴۶۲ - ۴۴۹)

(۲) این معنی را مینورسکی بخصوص در «La Perse au XIV^e siècle entre la Turquie et Venise» (شماره ۷ از انتشارات Société des Études Iraniques، پاریس ۱۹۳۳) بسط داده است. هم چنین به مقاله وی در دائرة المعارف اسلامی ذیل Uzun Hasan رجوع شود.

(۳) مینورسکی در کوشش خود برای روشن کردن تاریخ این دوره اخیراً ترجمه بعضی از متون مربوط باین عصر را که از منابع غیر شیعه است انتشار داده. توجه باین متون برای تحقیق درست

مؤلف کتاب شیخ فضل الله روزبهان، چنانکه از مقدمه مینورسکی مستفاد میشود اصلش از خنج (در لارستان) و مولدش شیراز و مسکنش اصفهان بوده. دو بار بحجاز و بعد بمصر سفر کرد و کتب متداول مذهبی اهل سنت را تحصیل نمود و نیز بتألیف و تصنیف پرداخت.

از جمله «کتاب بدیع الزمان فی قصة حی بن یظان» را تألیف کرد. بار سوم که قصد سفر حجاز داشت پیش از عزیمت، بدربار سلطان یعقوب آق قویونلو در آذربایجان که امام اهل سنت شمرده میشد (حاشیه ۲) رفت (۱۸۹۲) و «کتاب بدیع الزمان» را بوی اهدا کرد و مورد توجهی قرار گرفت و آمادگی خود را برای تحریر تاریخ روزمره سلطان ابراز داشت و از آن پس تا چهار سال که سلطان وفات یافت ملازم وی بود. پس از مرگ سلطان، جلد اول کتاب را که کتاب مورد بحث ماست بنام فرزند خردسال سلطان متوفی بایسنقر خان و ولی او امیر سلیمان کرد. جلد دوم ظاهراً هرگز نوشته نشد. پیشرفت و تسلط شاه اسمعیل او را مجبور بترك وطن کرد و ناچار بدربار شیبانی خان ازبک رفت. پس از کشته شدن شیبانی خان در جنگ با شاه اسمعیل، و قوت گرفتن برادرزاده اش عمیدالله خان، وی بدعوت این امیر از سمرقند بیخارا رفت و در اینجا آخرین اثر خود «سلوک الملوک» را برای استفادة عمیدالله خان تألیف

این دوره ضروری است. اینها عبارتند از: *Thomas of Metsop' on the Timurid - Turkman Wars* در مجلدی بافتخار پرفسور محمد شفیع، لاهور، ۱۹۵۵، صفحات ۱۷۰-۱۴۵ که شامل ترجمه قسمتی از اثر این مؤلف ارمنی است که وقایع را از وفات تیمور تا سال ۸۴۵ نقل می کند (مستخرج از ترجمه پرفسور Nève، بروکسل، ۱۸۷۰) با مقدمه ای سودمند و جامع. صفحات ۱۴۸ و ۱۴۹ آن دیده شود.

دیگر: *Shaykh Bālā'efendi on the Safavids* در *BSOIS* سال ۱۹۵۷، صفحات ۴۵۰-۴۳۷، شامل ترجمه نامه ای که شیخ بالی افندی برستم پاشا وزیر اعظم سلطان سلیمان عثمانی نوشته و شامل طعن و بدگویی از شیخ صفی و اعقاب و پیروان اوست. «تاریخ دیار بکره» تألیف ابوبکر طهرانی که نسخه منحصر آن اخیراً در عراق بدست افتاده و شامل تاریخ حکومت اوزون حسن است نیز بنقل پروفسور مینورسکی از متونی است که انتشار آن در تکمیل اطلاعات مربوط بدوره ترکمانان بسیار مفید خواهد بود و دکتر فاروق سومر (آنکارا) انتشار آنرا منظور نظر قرار داده است (ص ۱۸).

کرد^۱ (۹۲۰) و در سال ۹۲۷ در بخارا در گذشت.

بطوری که پرفسور مینورسکی در فصلی که بارزش عالم آرای امینی اختصاص داده ذکر می‌کند (ص ۱۵ بید)، این تاریخ با وجود ارزش بسیاری که دارد از نقص خالی نیست. اولاً در تاریخ وقایعی که قبل از ۸۹۱ روی داده اطلاعات مؤلف کامل نیست و در نقل سنوات نیز گاهی اختلاف دیده میشود.

ثانیاً با آنکه مؤلف در انصاف و بیطرفی خود اصرار میورزد، او را نمیتوان واقعاً بیطرف شمرد؛ چنانکه خود میگوید بعضی وقایع را که ذکر آنها با شریعت سازگار نبوده است حذف کرده و نیز آراء و منقولات او در باب اولاد شیخ صفی و پیروان ایشان حاکی از نفرتی عمیق و گزنده است. هم چنین آنچه در باب مسیحیان گرجستان ذکر می‌کند از تعصب او حکایت دارد. اما اگر این نقائص از ارزش تاریخی منقولات او تا اندازه‌ای بکاهد از ارزش کتاب بعنوان آینه عقاید یکتن سنی دانشمند و استواری در باب وقایع زمان نمی‌کاهد.

در باب انشاء کتاب بطوری که در مقدمه ذکر شده (ص ۱۷) و از ترجمه کتاب نیز برمیآید، سبک مؤلف سبک مصنوع و متکلف است و ابی مینورسکی آنرا در نوع خود از نمونه‌های برجسته نشر فارسی و قابل نقل در منتخبات ادبیات فارسی می‌شمارد و میگوید «باید اعتراف کنم که من در میان تواریخ فارسی، نظیری برای عالم آرای امینی از حیث شور بیان (Vivacity) نمیتوانم یافت» و از این حیث آنرا نظیر تاریخ ابن عربشاه (تاریخ تیمور) می‌شمارد.^۲

متن کتاب شامل مقدمه مفصلی است که از جمله محتوی مدح‌خاندان بایندریه وستایش اوزون حسن و سلطان یعقوب و بایسنقر خان و امیر سلیمان و پس از آن شرح احوال مؤلف، اهمیت تاریخ و تاریخ نویسی، طبقات تاریخ نویسان و اوصاف تاریخ عالم آرای امینی است. پس از آن ذکر وقایع تاریخی می‌آید که با جلوس سلطان

(۱) برای آثار دیگر فضل‌الله روزبهان او صفحات ۸-۷ مقدمه دیده شود.

خلیل فرزند اوزون حسن بجانشینی پدر آغاز میشود و پس از ذکر جنگهای سلطان خلیل و اختلافات داخلی خاندان، جلوس یعقوب سلطان فرزند سوم اوزون حسن را یاد می‌کنند و آنگاه بوقایع زمان او از قبیل فتح کرمان، و طغیان بایندز، و جهاد سلطان یعقوب با گر جیان، و اشکور فرستادن او بگیلان، و سفر باصفهان، و فرستادن ده هزار سکه شاهرخی برای عبد الرحمن جامی بقصد التماس دعا^۱، و طغیان شیخ حیدر و قیام قرلباش و جهاد شیخ حیدر در گرجستان، و سرانجام شکست وی، فتح مازندران، سید مشعشع و اختلاف وجدال او با پسرش سید حسن، منع شرب مسکر و ستردن ریش، ظهور طاعون در تبریز، جهاد دوم در گرجستان، سفرای دولتهای دیگر، انتشار مرضی ساری (مرض بلا)، مرگ مادر سلطان یعقوب و شاهزاده یوسف برادر سلطان یعقوب بهمین مرض، و درگذشتن سلطان یعقوب می‌پردازد.

وصف کسالت سلطان یعقوب (س ۱۰۲ و ۱۰۹ و بعد) که بتفصیل و با توجه بمعالجات و اصطلاحات طبیبی بیان شده جالب است. ولی بی شک جالب ترین قسمت کتاب شرحی است که مؤلف در باب اولاد شیخ صفی و طغیان شیخ حیدر و محاربات وی در قفقاز و کشته شدنش در جنگ با سپاه آق قویونلو آورده است (ص ۸۱-۶۱).

این فصل را با وصف شیخ حیدر «شیطان رحیم» و بیان کین آلودی از ضلالت وی شروع می‌کند و آنگاه برای روشن ساختن مقدمات، بذکر پدران وی می‌پردازد. از شیخ صفی الدین و فرزندش شیخ صدرالدین، و شیخ خواجه علی جانشین شیخ صدرالدین، به نیکی و با احترام و تقدیس یاد میکند، اما خلافت جنید را آغاز گمراهی می‌شمارد و شوق نامبارک او را بفتح شروان و کشته شدنش را در جنگ با امیر خلیل شروانشاه می‌آورد.

آنگاه از التفات اوزون حسن بحیدر و فرستادن وی باردبیل بجانشینی جنید سخن می‌گوید، و مکرر از ارادت «رومیان» و جان نثاری ایشان نسبت بوی یاد می‌کند (غرض از رومیان قبایل تر کمان آسیای صغیرند) و جنگ اندیشی و نبرد

۱- جامی سلامان و ابدال را بنام این شاه پرداخته است.

جوئی حیدر و پیروانش را در اردبیل، و جمع آوردن سلاح و تمرینهای بدنی و جنگی آنان، و ظلم و قساوت آنان را در باره مخالفان (مانند رها کردن سگ مشتعل آلوده بنفت و گوگرد در خانه مخالفان و یاپرتاب کردن مار در صورت مردمان - ص ۶۷) شرح میدهد. حیدر را طرفدار اباحه می‌شمارد و میگوید پیروانش او را خدا و معبود خود می‌شمردند و بروی سجده می‌کردند^۱ و وی هر چند کلاه تصوف بر سر گذاشته و خرقة درویشی بپوشیده بود در خانه بساختن زره و نیز کردن شمشیر می‌پرداخت، ولی انصاف میدهد که با همه شقاوتش مردی شجاع و بی‌باک بود و در تیر اندازی و شمشیر زنی و فنون جنگ آوری رستم و افراسیاب را خجل میکرد^۲. آنگاه بشرح حمله شیخ حیدر بفقار می‌پردازد که باده هزار سپاهی بقصد چرکها از دربند شروان می‌گذرد و پس از قتل و غارت بسیار باز میگردد و آماده جهاد دوم میشود که آن نیز با کامیابی و گرفتن شش هزار اسیر پایان میرسد. آنگاه مؤلف بشرح حمله سوم حیدر بشروان و استمداد فرخ یسار شروانشاه از سلطان یعقوب و عزیمت سپاه وی برای دفع شیخ حیدر می‌پردازد (ص ۷۱-۸۱) که نه تنها گیراترین قسمت عالم آرا محسوب میشود، بلکه باید آنرا از لحاظ گرمی و گیرندگی بیان و شور احساسی که در عبارت آن نهفته است و وصف دقیق و در عین حال خیال انگیز و شورنده نبرد، از صفحات کم نظیر تواریخ فارسی محسوب داشت.

از مضمون تاریخ عالم آرا، نکته مهمی که پرفسور مینورسکی بخصوص آنرا در مقاله اخیر خود (Shaykh Bālī efendi on the Safavids) بهتر پرورانده است و پرفسور هینتز نیز آنرا مورد توجه قرار داده^۳، آشکار میشود و آن اینست که آئین

(۱) مقایسه شود با وصف شیخ بدرالدین از سران شیعیان ترکمن انطولی توسط شیخ بالی افندی در مقاله Shayk Bālī - efendi on the Safavids مذکور در فوق، ص ۴۴۸ که بی‌شبهات بوضعی که صاحب عالم آرا از شیخ حیدر می‌کند نیست.

(۲) این عبارات نقل بمعنی و بتلخیص از ترجمه انگلیسی است و طبعاً با عبارات متن اصلی که بطبع نرسیده است تفاوت دارد.

(۳) در کتاب W. Hinz, *Irans Aufstieg zum Nationalstaat, 1936* این کتاب در مرحوم

دکتر هوشیار بفارسی ترجمه کرده بود و قرار بود انجمن آثار ملی در طبع آن اقدام نماید.

شیعه بنحوی که خاندان شیخ صفی تبلیغ میکردند در درجه اول در میان قبایل ترکمان ایران و ارمنستان و سوریه و آسیای صغیر رواج گرفت (اسامی قبایل روملو و شاملو حاکی از ترکمانان روم یعنی آسیای صغیر، و شام یا سوریه است^۱). تبعید هفت ساله شیخ جنید در آسیای صغیر نفوذ این خاندان را قوت بخشید. آنچه بخصوص سلاطین عثمانی را از پیشرفت‌های سیاسی صفویان بوحشت می‌انداخت همین نفوذ معنوی و مذهبی آنان در اناطولی و در میان قبایل ترکمان آسیای صغیر بود. سخت‌گیری و قساوت سلاطین عثمانی در خرد کردن شورش‌های شیعیان نیز ازین رو بود. سلطان سلیم قبل از آنکه در سال ۹۲۰ برای شکست دادن شاه اسمعیل رو بچالدران بگذارد قریب چهل هزار پیروان ایشان را در آسیای صغیر قتل عام کرد^۲.

آنچه صفویان در پی آن بودند، نخست وحدت بخشیدن بقبایل ترکمان و تسلط بر غرب ایران و عراق و اناطولی بود که مسکن پیروان ایشان بود. اما عجب اینجاست که آنچه در عمل با اجرای آن موفق شدند تشکیل دولتی بود ایرانی که سوابق تاریخی و فرهنگی ایران را ادامه داد و کشور ما را وحدت سیاسی و مذهبی بخشید، و این پیش آمد با مقدمات کار صفویان که در دامان قبایل ترکمان رشد کردند و بخصوص با آسیای صغیر نظر داشتند و مانند آق قویونلو در پیوستن قسمتهای شرقی ترکیه کوشا بودند کمتر سازگار بود. ^۳ قدرت نظامی و سیاسی سلاطین عثمانی که پس از فراغ نسبی از مسائل بالکان در تحدید حکومت صفوی کوشیدند مانع از آن شد که شیعیان ترکیه با آزوی خود برسند. اما البته این مذهب در ترکیه، بخلاف آنچه بسیاری از مورخین ترک بخصوص در ایام اخیر ادعا کرده اند، در ترکیه از میان نرفت و حتی میتوان گفت تضعیف هم نشد؛ بلکه امروز

(۱) مقاله مذکور در فوق، ص ۴۴۰ دیده شود.

(۲) ص ۴۴۱ مقاله مذکور. مینورسکی این نکته را از نسخه خطی سلیم نامه ادریس بدلیسی نقل می‌کند و مانند ادوارد براون (ص ۷۲، جلد چهارم تاریخ ادبی ایران) تذکر میدهد که این واقعه دلخراش را تاریخ نویسان ایران متعرض نشده اند.

(۳) ص ۴۴۰ مقاله مذکور.

نیز با همه سخت گیری که درین باب بکار رفته است ، بنابتحقیق Howard A. Reed از بعضی از منابع خودتر کیه برمیاید که از چهار تا پنج ملیون علوی درتر کیه هست^۱.



ترجمه کتاب که با حذف زوائد و مکررات بعمل آمده از حیث دقت و فصاحت و رسائی همانطور است که از کسی چون پرفسور مینورسکی میتوان انتظار داشت . رعایت دو نکته از طرف مترجم محترم فایده آنرا تکمیل کرده است : یکی آنکه همه اصطلاحات خاص و تعبیراتی که از جهتی درخور توجه بوده اند بصورت اصلی در پرانتز ذکر شده ، بطوری که خواننده عموماً از احساس بیان مؤلف دور نمیماند . ثانیاً با آنکه ترجمه مابخصوص است ، کمتر نقل بمعنی است ، بلکه عموماً پرفسور مینورسکی عین تعبیرات عالم آرا را درترجمه انگلیسی بکار برده و خواننده میتواند نوع تشبیهات و استعارات و کنایات مؤلف را از خلال ترجمه درک نماید بطوری که با آنکه عبارات انگلیسی فصیح است شیوه بیان و طرز تصور همان است که معمول فضل الله روزبهان بوده است .

مقدمه جامع و بسیار سودمند مترجم و پنج ضمیمه در آخر کتاب (یادداشتی درباب حکومت بایسنقر آق قویونلو و سلاح آتشی - حمله دوم حیدر به چرکسها - سلطان یعقوب و گرجستان - سنوات تاریخی درعالم آرا) بر فایده کتاب بسیار می افزاید . چند ملاحظه مختصر نیز در قراءت و ترجمه کتاب بنظر رسید که ذیلاً یادآور میشود :

ص ۷۵ سطر ۲۷ در مورد کوشش اطرافیان سلطان یعقوب در کوتاه کردن دست شیخ حیدر ، پرفسور مینورسکی عبارت «واگرا از گرفتن و نیت کردن محفوظ ماند» را در میان پرانتز با علامت سؤال ذکر کرده و آنرا احتیاطاً بعبارت *Should he be reluctant* ترجمه کرده است . نگارنده تصور میکند «نیت کردن» غلط کاتب بجای

۱) مقاله سودمند و جامع وی *Religious Life of Modern Turkish Muslims*

در *Islam and the West* ، ص ۱۲۰ (نسخه ای که نگارنده در دست دارم ، طبع جداگانه این رساله است و تاریخ ندارد ، ولی از قرائن پیداست که منطبقه ۱۹۵۶ است)

«نیست کردن» باشد که در اینصورت با پس و پیش عبارت سازگار تر است (اگر از گرفتن نیست کردن محفوظ ماند، اقلای ویرا بترك وطن و قطع روابط با پیروانش بخصوص خلفای وی در روم، وادارند...)

ص ۷۱ سطر ۱۲. عبارت «فرزین بند تدبیر را... مستحکم ساخت» را مترجم محترم باتردید به *decided to strengthen the position of the queen of his design* ترجمه نموده است. عبارت «فرزین بند تدبیر» را میتوان بر حسب معنی به *queen-binding design* (یا *stratagem*) ترجمه کرد، چه «فرزین بند» که در حقیقت صفت «تدبیر» است صفتی است مرکب از صفت فاعلی (بند یعنی بندنده) و مفعول آن (فرزین) و این تعبیر با عبارات سابق سازگارتر است، چه مؤلف میخواهد بگوید وقتی سلطان یعقوب در قشلاق بود شیخ حیدر صحنه شطرنج ملک را از شاه خالی دید، در صدد برآمد تدبیر فرزین بند را مستحکم سازد... و کشور را بچنگ آورد.

ص ۷۹، سطر ۱۸ و بعد، عبارت «قلب و یسار و یمین آراسته و قلب دشمن را از یمین و یسار کاسته» که در حاشیه باعلامت سؤال ذکر گردیده باین عبارت ترجمه شده:

«Their centre and the right and left wings were in battle order, while their enemy's centre was deprived of its flanks»

تصور میرود که درین عبارت قلب دوم بمعنی قلب سپاه نیست بلکه بمعنی دل و جرات است، یعنی با آراستن قلب و میمنه و میسره، از چپ و راست دل دشمنان را هراسان ساخته...

ص ۸۰ سطر ۴۶ - کلمه «بی قرار» که وصف شیخ حیدر است بعد از آنکه تیری بر گلوی وی می نشیند به *unconscious* ترجمه شده. ظاهراً کلماتی از قبیل *disturbed*، *impatient*، *agitated*، *restive* در ترجمه «بیقرار» مناسب تر است، بخصوص که از عبارت بعد برمیآید که شیخ حیدر تا مدتی پس از آن براسب قرار داشته است و این معنی بابیهوش بودن او کمتر سازگار است.

ص ۱۶ سطر ۱۶ در عبارت *The great king, after the death of Junayd placed*
his son in the centre of his attention (ترجمه: در حجر تریبیت) شاید عبارت تی نظیر *undertook*
his up - bringing قصد مؤلف را روشن تر ادا کند.

اسباب خوشوقتی بسیار است که آقای پرفسور مینورسکی با انتشار این اثر
 سودمند که دوازدهمین اثر ایشان در باره تاریخ و فرهنگ ترکمانان است به عملی
 ساختن طرحی که از دیر باز برای روشن ساختن تاریخ این دوره در نظر داشتند
 سرانجام توفیق یافته اند و این خدمت را نیز بخدمات بسیار دیگری که بر روشن شدن
 تاریخ و ادبیات و فرهنگ ایران و سایر ممالک اسلامی کرده اند افزوده اند.

احسان پارسا طر

